

همراه همکارانش شده که طبق این پژوهش‌ها، این محوطه در سال ۱۳۸۱ با شماره ۶۱۶۲ در فهرست آثار ملی ثبت گردیده است (Burney, 1979, 155). در سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ نیز، طی سه فصل کاوش باستان‌شناسی به سرپرستی هژبری نوبری و همکاران (۱۳۹۷) این محوطه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و بر این اساس، مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل مؤلفه‌های جغرافیایی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر فرایند شکل‌گیری و توسعه محوطه باستانی شهریری» نوشته شد (هژبری نوبری، خانعلی، آنیل، موسوی کوهپر و حاجی‌زاده باستانی، ۱۳۹۷، ۶). همچنین، هژبری نوبری و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه شهریری استان اردبیل» به تحلیل باستان‌شناسی این منطقه باستانی پرداختند (هژبری نوبری، خانعلی، آنیل و موسوی کوهپر، ۱۳۹۹، ۲۷۶). خانعلی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با موضوع «تحلیلی بر روابط فرهنگی شمال غرب ایران و قفقاز بر اساس مطالعه موردی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت به‌دست‌آمده از مطالعات باستان‌شناسی محوطه نیایشگاه شهریری استان اردبیل» به بررسی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت در این محوطه باستانی پرداخته است. درباره سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون نیز مطالعات بسیاری صورت گرفته که می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «اف. نیل. دولمن و منهیر»^۴ توسط گیلومونت^۵ اشاره کرد که به بررسی مجسمه - سنگ‌افراشته‌های این منطقه پرداخته است (Guillaumont, 1960, 99). همچنین می‌توان به مطالعات دایاناً^۶ با نام «مجسمه‌های منشور جنوب فرانسه، پرونده‌های باستان‌شناسی» اشاره کرد (D'ANNA, 1998, 50). در مطالعات دیگری چون «سه مجسمه - منشی‌های ارجالیس (سنت-ایزر، آویرون)»^۷ توسط سوتو^۸ به این موضوع پرداخته شده است (Soutou, 1973, 258).

مطالعاتی در سال‌های اخیر بر روی این محوطه باستانی صورت گرفته و به این موضوعات از جنبه‌های گوناگون پرداخته است که می‌توان به پژوهش علیزاده و همکارانش با عنوان «بررسی‌های باستان‌شناسی در آذربایجان شرقی: شمال نمین، استان اردبیل» اشاره کرد (Alizade, Rezalo, Hajizade & Afkhmi, 2018, 228) و مطالعات دان و سسارتی^۹ با عنوان «افراد بی‌دهان: نکاتی درباره مجسمه شهریری - مجموعه استل‌های ایران» از این جمله است (Dan & Cesaretti, 2020, 352). این مطالعه ارزیابی کلی مجددی از محوطه باستانی شهریری است و به این نکته اشاره می‌کند که بارزترین ویژگی این محوطه باستانی، وجود بیش از پانصد مورد مجسمه - استل است. همچنین، هژبری نوبری و همکارانش در مقاله‌ای تحت عنوان «تجزیه و تحلیل و تحقیقات باستان‌شناسی در شهریری در استان اردبیل»

حائز اهمیت بسیاری است، مجسمه‌ها و سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون^۲ واقع در جنوب فرانسه است که یکی از مهم‌ترین مجموعه مجسمه - استل در اروپا محسوب می‌شود. آنچه توجه این پژوهش را به خود معطوف کرده است، تشابه در ویژگی‌های ظاهری سنگ‌افراشته‌های منطقه شهریری و سن سرنن آویرون با وجود مسافت بسیار زیاد آنها از یکدیگر است. شباهت بین سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه صحت این فرضیه را تقویت می‌کند که مفاهیم یکسان رایج در دو منطقه منجر به شباهت در شکل ظاهری با وجود مسافت زیاد بین این سنگ‌افراشته‌ها شده باشد لذا، سؤال اصلی این مطالعه به این شرح است: سنگ‌افراشته‌ها در هر تمدن چه ویژگی‌های ظاهری دارد و چگونه کار شده است؟ دارای چه شباهت‌های بصری است؟ چگونه می‌توان ارتباط این سنگ‌افراشته‌ها را تفسیر کرد؟ چه تفکرات و باورهایی در پس ساخت این سنگ‌افراشته‌ها وجود داشته است و چرا توجه سازندگان این سنگ‌افراشته‌ها به برخی از ویژگی‌ها بیشتر بوده است، سؤالات فرعی این پژوهش است که این مطالعه در پی پاسخ‌گویی به آنهاست. این پژوهش با هدف مطالعه چگونگی شباهت‌های سنگ‌افراشته‌های دو مکان باستانی شهریری و سن سرنن آویرون و هدف فرعی مطالعه تطبیقی این سنگ‌افراشته‌ها، سعی در پاسخ به این پرسش‌ها دارد. در عین حال، به بررسی و شناخت پیشینه فکری در فرهنگ خاکسپاری انسان در غرب ایران می‌پردازد. موضوع اصلی در این مطالعه، وجود شباهت‌ها بین سنگ‌افراشته‌ها در پهنه گسترش جغرافیایی جهان است که ضرورت تحقیق و مطالعه در این باره را فراهم کرده است. در نهایت این پژوهش به بررسی فرم و تصاویر مورد استفاده در قالب سنگ‌افراشته‌های دو مکان باستانی شهریری و سن سرنن آویرون می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را مشخص می‌کند. با توجه به دست آوردهای این پژوهش، در سنگ‌افراشته‌های مورد مطالعه، این آثار هنری متأثر از رخدادهای فرهنگی مهم در عصر آهن II هستند. بنابراین این مطالعه سعی در بررسی جنبه تلویحی سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون داشته که بیان‌کننده این موضوع است که سنگ‌افراشته‌ها در هر تمدنی ویژگی‌های ظاهری و بصری مشابهی داشته و بیانگر آیین تدفین تقریباً یکسان در نقاط مختلف جهان است.

پیشینه تحقیق

مطالعاتی که راجع به محوطه شهریری صورت گرفته است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: در ابتدا، مطالعاتی که پیش‌تر صورت گرفته و منجر به کاوش و شناسایی منطقه باستانی مشگین‌شهر توسط محققانی مانند چارلز برنی^۳ به

۱۳۸۷، ۱۷۰) که «به دلیل وجود نقوش انسانی روی سنگ‌ها، ساکنان محلی نام مکتب اوشاقلاری یعنی (بچه‌های مکتب) را بدان داده‌اند» (محمدی، ۱۳۸۲، ۵۸). هر دو منطقه ذکر شده دارای سنگ‌افراشته‌های مشابه هستند.

• آیین ترکان باستان در خاکسپاری

هنر پیکره‌تراشی بر سنگ در ایران باستان با قدمتی کهن همواره مورد توجه حاکمان و شاهان برای ابراز قدرت و یادمانی بود که نسل‌های بعدی با نگریستن به آنها رویدادهای گذشته را به مانند صفحات تجسمی بدون راوی بازگو می‌کرد (مهروند، ۱۳۹۴، ۱). آیین سنگ‌نگاری در ترکان که در پنج تا شش هزار سال پیش در منطقه آسیای مقدم و با نگاهی گذارا در اطلس انتوگرافی^۶ اقوام پروتوترک^۷ ایجاد شده، از طریق مهاجرت اقوام ترک در طول دشت قباچاق^۸ در اروپا و آلتای گسترش یافته و قدیمی‌ترین نمونه‌های آن که در آذربایجان و ترکیه کشف شده است و به صورت سیستمی هماهنگ و بر اساس نظریه جدید و از جنبه‌های مختلف اتنوگرافی، میتولوژی^۹ و تاریخ قدیم ترک به صورت اسنادی مهم بررسی شده‌اند (آغاسی اوغلو، ۱۳۹۷، ۹). از آنجا که شکل چیدمان سنگ‌افراشته‌های شهریری به شکل مکتب‌خانه بوده است، نام مکتب اوشاقلاری بر آنها رواج یافته است. آنچه مسلم است، ارتباط بین نحوه چیدمان این سنگ‌افراشته‌ها با باورهای اقوام بدوی است که منجر به بررسی این شیوه از چیدمان سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت شده است.

• مقابر صندوقی شکل با سنگ‌افراشته

آثار حک شده بر دل سنگ مزارها گویای فرهنگی غنی در جای جای سرزمین پهناور ایران است که با نشانه‌هایی از زندگی، چندگونه و با اندیشه حقیقت در قالب عامیانه تراشیده شده‌اند (جاری، ۱۳۸۷، ۱۳۲). در این میان، سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت جزئی از این آثار حک شده بر دل سنگ مزارها هستند که دارای تنوع خاص در چهره‌پردازی، حجاری، گاه‌نگاری و اختلاف جغرافیایی کاملاً مشهودی هستند. بنابراین مطالعه فرم و نقش این آثار از منظر باستان‌شناسی و تاریخ هنر قابل بحث و بررسی است (پوررستم، ۱۳۹۴، ۲-۳). این نوع قبرها به صورت مجموعه‌ای در کنار هم قرار دارند ولی در نمونه‌های ساده‌تر، با فاصله از قبرها قرار گرفته‌اند. برخی از نمونه‌های موجود در شهریری مشگین‌شهر از نظر ابعاد خیلی کوچکتر از نمونه‌های شناخته شده است که احتمالاً برای افراد غیر بالغ بوده است، ولی حجاری‌ها بر روی آنها چندان تفاوتی با نمونه‌های دیگر ندارد (حصاری و علی یاری، ۱۳۹۱، ۱۱۸). سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری واقع در مشگین‌شهر استان اردبیل از نوع مقابر صندوقی شکل است (تصویر ۱). این مقابر صندوقی شکل با ارتفاع‌های مختلف ۷۰ تا

به بررسی دوباره این سایت باستانی و بیان ویژگی‌های آن از دیدگاه باستان‌شناسی پرداختند (Hejebri Nobari, Khanali, Yilmaz & Mosavi Kohpar, 2020, 271). در بیشتر پژوهش‌های ذکر شده به این دو منطقه اشاره شده است ولی در هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق به مطالعه تطبیقی و بررسی شباهت و تفاوت ظاهری این دو منطقه و آیین خاکسپاری پرداخته نشده است. این نوشتار بر آن است که با توجه به آیین تدفین در هر دو منطقه به مشابهت و تفاوت سنگ‌افراشته‌ها بپردازد.

چارچوب نظری پژوهش

• سنگ‌افراشته‌ها

سنگ‌افراشته‌ها سنگ‌های بسیار عظیم و طولی هستند که در روزگار باستان به طور عمودی در دل خاک فرو برده شده‌اند، به شیوه‌ای که بخش اعظم آنها از زمین بیرون است (Steimer, 2020, 25). در زبان‌های اروپایی به سنگ‌افراشته «منهیر»^{۱۱} می‌گویند که از دو واژه برتونی، «مین»^{۱۱} به معنی سنگ و «هیر»^{۱۲} به معنی دراز ترکیب شده و ترجمه آن سنگ دراز می‌شود (Shaw & Jameson, 2008, 18). واژه مگالیت^{۱۳} نیز به این سنگ‌افراشته‌ها گفته می‌شود که به معنای سنگی بزرگ است که یک بنای تاریخی ما قبل تاریخ (به عنوان مثال، منهیر) یا بخشی از آن (به عنوان مثال، یک دایره سنگی یا آرامگاه مجلسی) را تشکیل می‌دهد (Handwerk, 2019, 11). به این ترتیب هنر مگالیتیک^{۱۴} به هنری گفته می‌شود که در اروپای ماقبل تاریخ بر روی مگالیت‌ها نقاشی یا حکاکی می‌شده است و کاملاً انتزاعی بوده و به ندرت اشیاء را به صورت واقعی نشان می‌دهد (Twohig, 1981, 135). شکل سنگ‌افراشته‌ها به طور معمول ناصاف و چهارگوش است که قطر آنها اغلب به سمت بالا کاهش تدریجی می‌یابد (Díaz-Guardamino, 2021, 48). بنابراین، استل‌ها یا سنگ‌های یادمانی (کرمی، ۱۳۸۴، ۱۸۷) نوعی سنگ‌افراشته انسان‌ریخت است که در مناطق باستان‌شناسی سراسر جهان یافت شده‌اند. بناهای سنگی در ایران بیشتر از نوع سنگ‌افراشته‌های ساده است و در دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان دیده شده است (قائم مقامی، ۱۳۴۸، ۸۰). در نگاه اول به نظر می‌رسد که این فرهنگ گسترده استل‌سازی از همگونی خاصی برخوردار است. اما مطالعات تنوع منطقه‌ای قابل توجهی را نشان می‌دهد (Asgari, 2018, 1). این سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت از جنس سنگ آتشفشانی به رنگ خاکستری روشن ایجاد شده است (خانعلی، ۱۳۹۷، ۲۴۶). شکل سنگ، ارتفاع، ایستایی، فرم صورت، چشم و دهان و وجود جنسیت زن در میان این سنگ‌افراشته‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (عزت‌اللهی نژاد،



تصویر ۱. سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت شهریری واقع در مشگین‌شهر، مأخذ: Tripadvisor, 2019.



تصویر ۲. محوطه سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت شهریری، مأخذ: Tripadvisor, 2019.

(Soutou, 1973, 24). این نوع سنگ‌افراشت‌ها نوعی سنگ ایستاده حکاکی شده است که در دوره نوسنگی بعدی اروپا ایجاد شده است که بیشتر در جنوب و غرب فرانسه یافت می‌شوند (Rodríguez, Garcia & Rufo, 2010, 12). یکی دیگر از سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی سن سرن آویرون، مجسمه‌ای است که ظاهری عجیب ولی متقارن دارد. نکته قابل توجه در این مجسمه و مجسمه پیشین، سرهای کوچک نسبت به بدن بزرگ‌تر است (تصویر ۴).

در سنگ‌افراشت دیگری از این مجموعه، فرم انگشتان، وجود لباسی که به نظر آیینی می‌رسد و صورتی کوچک که در کل فضای این سنگ‌افراشت گم شده بسیار قابل توجه است. وجود شیارهای پی‌درپی متصل به فرم صورت ممکن است مربوط به نقوش حکاکی‌شده لباس باشد یا بیانگر نوعی گردنبند که سر را در بر گرفته است (تصویر ۵).

این مجموعه که متشکل از سنگ‌های ایستاده است، به صورت نامنظم یا با ردیف‌های نامرتبی چیده شده که بنا بر تصور محققان، دارای شکل انسانی یا همان آنتروپوموفیک^{۲۳} است. با این حال، این مجموعه سنگ‌افراشت‌ها به موزه فنایلدر شهر رودز فرانسه منتقل شده است تا از آنها در برابر آسیب‌های طبیعی محافظت شود.

۳۶۰ سانتی‌متر بیشتر به شکل انسان تراشیده شده‌اند. کنده‌کاری‌های انسان روی سنگ‌ها به شکل افرادی است که دستانشان روی سینه است و معمولاً بدون دهان هستند. با این حال، تنها یک مجسمه تراشیده‌شده از یک زن با دهان پیدا شده است.

- سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی شهریری

یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های نشان‌دهنده تحولات عصر آهن در شمال غرب ایران، محوطه باستانی شهریری در مشگین‌شهر استان اردبیل است که در طی بررسی‌های چارلز برنی شناسایی شد و طی سه فصل کاوش باستان‌شناختی طی سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به سرپرستی هژبری نوبری با هدف شناسایی فرهنگ‌های عصر آهن حوزه شمال غرب ایران مورد مطالعه قرار گرفت (هژبری نوبری و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۷۸). مجموعه باستانی شهریری به همراه مکتب اوشاقلاری در گزارش چارلز برنی با نام «قلعه ارجق»^{۲۰} معرفی شده (Burney, 1979, 155) که برگرفته از نام روستایی در ۶ کیلومتری آن است (Ingraham & Summers, 1979, 67). این محوطه باستانی با مساحتی بالغ بر ۴۰۰ هکتار بر دماغ‌های سنگی در ۱/۵ کیلومتری شرق روستای پیرآزمیان قرار گرفته است. گورستان شهریری شامل ۲۸۰ سنگ قبر حکاکی‌شده باستانی است که قدمت آنها بیش از ۸۰۰۰ سال تخمین زده شده است (خانعلی، ۱۳۹۷، ۱۲۴). این مکان با مساحتی قریب به ۲۲۰۰ مترمربع، فضایی با ۷ راهرو به طول ۱۵ الی ۲۵ متر و عرض ۱ الی ۳ متر را شامل می‌شود (هژبری نوبری و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۷۴)؛ (تصویر ۲). در پای سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت نذوراتی اعم از سفال و اشیای زینتی قرار داده شده‌اند (همان، ۲۷۹) که همین امر فرضیه آیینی بودن این مکان را قوت می‌بخشد و نشان‌دهنده آیین مردم بدوی در این محوطه باستانی است.

- سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی سن سرن آویرون

در موزه فنایل^{۲۱} در شهر رودز^{۲۲} فرانسه، اتاقی که مجسمه‌ها و سنگ‌افراشت‌ها را گرد هم جمع کرده است، ۱۷ مجسمه اصلی را به معرض نمایش عموم گذاشته است. این مجموعه بخش بزرگی از نخستین مجسمه‌هایی را که در پایان قرن نوزدهم م. توسط باستان‌شناسان شناسایی شده است را گرد هم می‌آورد (Fenaille museum, 2021, 2). این مجسمه شخصیتی کامل است که چهار چهره در آن به تصویر کشیده شده است (تصویر ۳).

بانوی سن سرن، یکی از مجسمه‌های منهیر آویرون است و جزئی از مجموعه مجسمه‌هایی با ابعاد انسانی است که ۵۰۰۰ سال پیش برای اولین بار در دوران مس تراشیده شده‌اند (Handwerk, 2019, 12). همچنین آنها اولین نمایندگان شناخته‌شده از مجسمه در اندازه واقعی زنان و مردان هستند

سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون، به تحلیل معنایی این سنگ‌افراشته‌ها پرداخته شود.

- فرم صورت

شیوه هنری اقوام بدوی در به تصویر کشیدن چهره شمایل‌ها، ساده و هندسی‌گرا و به دور از طبیعت‌گرایی است. جوامع بدوی بر این باور بودند که می‌توانند روح اجداد خود را در پیکره‌ها و تندیس‌هایی که می‌سازند، به دام بیندازند و از نیروی ماورائی آنها در جهت دفع شر و گشایش کارها استفاده کنند (مرزبان، ۱۳۸۸، ۱۴). آنها اعتقاد داشتند تمام پدیده‌های طبیعت دارای روح‌اند و می‌توان با ساخت پیکره‌های انسانی، روح آنها را به کالبد خود دعوت و از خاصیت افسونگری آنها استفاده کرد. فرم کلی صورت در سنگ‌افراشته‌های شهریری به صورت نعلی شکل دیده می‌شود. به عبارتی، «محدوده صورت که به وسیله موهای تبدیل‌شده به دست نمایش داده شده به شکل \cap به طول ۲۱ سانتیمتر باقی است» (خانعلی، ۱۳۹۷، ۲۴۶). حالت چشم‌ها مدور و در اندازه بزرگی برجسته شده است. در برخی



تصویر ۳. بانوی معروف سن سرنین. مأخذ: 2, Fenaille museum, 2021.



تصویر ۴. مجسمه کشف‌شده سن سرنن آویرون، مأخذ: Mourey, 2020, 24.

روش تحقیق

این پژوهش کیفی و از نوع ماهیت بنیادی (تاریخی-تطبیقی) است و شیوه گردآوری اطلاعات آن بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و پایگاه‌های معتبر الکترونیکی تهیه، تنظیم و تدوین شده است. جامعه آماری این تحقیق، به مطالعه سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری واقع در مشگین‌شهر و سن سرنن آویرون واقع در جنوب فرانسه پرداخته است. آنچه در این مباحث اهمیت می‌یابد، بررسی مباحث مرتبط با مکتب اوشاقلاری است که در این باب به طرح این موضوع از نقطه نظر جدیدی پرداخته شده است.

یافته‌ها

• توصیف جزئیات پیکره سنگ‌افراشته‌ها در این مطالعه سعی شده که با بررسی فرم و نقش



تصویر ۶. چهره سنگ افراشت شهریری. مأخذ: Tripadvisor, 2019.



تصویر ۵. مجسمه کشف‌شده سن سرنن آویرون. مأخذ: Mourey, 2020, 24.

است. در فلسفه اعتقادی و مذهبی اقوام باستانی نیز، دست نشان از احترام و تعظیم در برابر نیرویی برتر است. مفهوم و نشانه‌ای از عهد و پیمان است که در طول دوره‌های تاریخی انتقال یافته است (مبینی، ۱۳۹۸، ۱۲۸). در سنگ‌افراشت‌های شهریری دست‌ها دو شکل، یا به صورت جداگانه در طرفین چهره نقش بسته شده‌اند یا اینکه در قسمت انتهایی موها با شیارهایی کم‌عمق به پنج قسمت تقسیم شده‌اند که به نظر می‌رسد فرم انگشتان دست را ایجاد کرده‌اند. در نمونه‌هایی که دست‌ها به صورت جداگانه نقش بسته شده‌اند، فرم انگشتان مشخص نیست. ولی در نمونه‌هایی که دست‌ها در امتداد موها کشیده شده‌اند، فرم انگشتان تفکیک شده است. دست‌ها عمدتاً کوتاه بوده و حالتی نمایشی داشته و بالاتر از نیم‌تنه قرار گرفته‌اند. در برخی سنگ‌افراشت‌ها دست‌ها به سمت درون متمایل و ترتیب اندازه‌ها رعایت نشده است (تصویر ۸).

در سنگ‌افراشت‌های سن سرنن آویرون نیز دست‌ها به صورت جداگانه به صورت عمودی در دو طرف بدنه مجسمه دیده می‌شوند. نکته قابل توجه در این مجسمه‌ها تأکید بر حالت دست‌ها است. در برخی از سنگ‌افراشت‌ها به صورت عمودی و در برخی دیگر به صورت افقی حکاکی شده است که این تفاوت در حالت دست‌ها می‌تواند مربوط به مفهومی خاص باشد (تصویر ۹).

- کمر بند و سلاح

سلاح به عنوان نشانی از پادشاهی نقش مهمی در حفظ

از سنگ‌افراشت‌ها سوراخ‌های کوچکی به جای مردمک بر روی چشم‌ها ایجاد شده است. فرم بینی‌ها بسیار ساده و بلند هستند که غالباً با موها پیوسته شده‌اند. موها در دو طرف صورت در راستای فرم بینی کشیده شده‌اند. اکثر سنگ‌افراشت‌ها بدون ریش هستند ولی در نمونه تصویر ۶ بر روی صورت ریش به صورت شیارهایی نقش بسته است.

در اجزای صورت این مجموعه تاریخی دهان دیده نمی‌شود و فقط یکی از سنگ‌افراشت‌ها دهان دارد که به صورت خطی در سنگ تراش خورده است که گمان می‌رود جنسیت آن زن باشد، زیرا در گیسوانش سنجاق سر دیده می‌شود. فرم اغلب سنگ‌افراشت‌ها غالباً به یکدیگر شباهت دارند. اما در برخی، خصوصیات دارای تفاوت‌هایی هستند. جالب این است که در سنگ‌افراشتی که به نام بانوی سنت سرنین شهرت یافته است، چندین چهره دیده می‌شود. اما شکل غالب چهره‌های سنگ‌افراشت‌های این منطقه نعلی‌شکل است و فرم صورت شامل چشم، بینی و موها به صورت دو دسته در اطراف صورت قرار دارد (تصویر ۷).

نکته قابل توجه کوچکی فرم صورت نسبت به تنه پیکره‌ها است و بر اجزاء صورت چندان تأکید نشده است. غالباً بدون بینی هستند یا اینکه فرم بینی به صورت نوک‌تیز متصل به پیشانی و عموماً پیوسته با موها است و یا به صورت استوانه‌ای کوچک که از چشم‌ها فاصله بسیاری دارد.

- دست‌ها

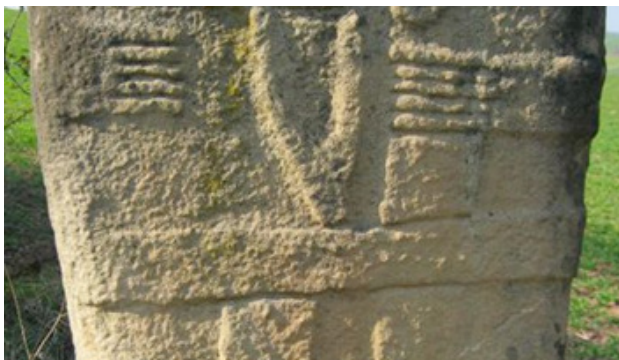
انسان بدوی از دست به عنوان ابزار و سلاح استفاده می‌کرده



تصویر ۸. دست‌ها در سنگ‌افراشت شهریری. مأخذ: Tripadvisor, 2019.



تصویر ۹. دست‌ها در سنگ‌افراشت سن سرنن آویرون. مأخذ: Mourey, 2020, 24.



تصویر ۱۰. سلاح در سنگ‌افراشت شهریری. مأخذ: Tripadvisor, 2019.

شبيه به آدم و لبخندهایی مرموز و نگاهی خیره‌کننده دارند. وجود خنجر و شمشیر گواه ابزاری برای جنگ است. نکته مشترک آنها این است که همگی چشم و بینی دارند ولی تنها یکی از آنها دارای دهان است.

جزئیات سنگ‌افراشت‌های سن سرنن آویرون نشان‌دهنده تشابه سادگی و انتزاعی بودن سنگ‌افراشت‌های شهریری است. فرم مشترک نعلی‌شکل صورت، بینی استوانه‌ای یا نوک‌تیز از خصوصیات این سنگ‌افراشت‌هاست. اما برخلاف

قدرت در اقوام بدوی داشته است. نکته قابل ذکر وجود تزئینات بر روی سلاح‌های جنگی مانند خنجر و شمشیر است. تزئیناتی از گل و بوته که کاربرد آنها غالباً زینتی و مذهبی بوده است. سنگ‌افراشت‌ها در دو نوع مسلح و بی‌سلاح شناسایی شده‌اند و سلاح‌ها به صورت شمشیر و خنجر متفاوت بوده و در دو دسته شمشیرهای شلاقی و صاف مشاهده می‌شوند که از کمر بند آویزان شده‌اند و نوع سلاح را می‌توان از اندازه و طول آن تشخیص داد. قبضه سلاح‌ها نیز به شکل مدور V شکل و U شکل است. نحوه نگه‌داشتن این سلاح‌ها به این صورت است که در برخی زیر دست راست و در برخی در میانه دو دست قرار گرفته است (تصویر ۱۰).




















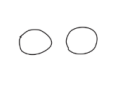














کمر بندهای حکاکی‌شده بر روی سنگ‌افراشت‌ها اکثراً به نقوش هندسی تزئین شده‌اند. بدین صورت که توسط شیارهای کم‌عمق بر روی کمر بند و طرح‌های هندسی نقش بسته که به صورت خطوط افقی و عمودی شبیه گلبرگ خطوط متقاطع و ضربدری دیده می‌شود. استفاده از کمر بند مزین در سنگ‌نگاره‌های اشکانی و بعدها توسط ساسانیان به شکل پخته‌تر و ظریف‌تری وجود داشته است (مهروند، ۱۳۹۴، ۱). سنگ‌افراشت‌های سن سرنن آویرون فاقد سلاح هستند. در ادامه، جزئیات پیکره سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون به صورت جداولی جداگانه توصیف شده که علاوه بر توضیحاتی در مورد فرم و تصاویر ارائه‌شده، به ترسیم آنالیز خطی به صورت کلی و جزئی نیز پرداخته شده است تا طرحی دقیق‌تر از جزئیات پیکره‌ها به دست آید (جداول ۱ و ۲).

کنکاش در جزئیات سنگ‌افراشت‌های شهریری نشان‌دهنده تمایل به سادگی و انتزاعی کردن فرم و شکل‌های انسانی و متعلقات وابسته به آن در این ساختارهای سنگی است. فرم صورت نعلی‌شکل و بینی اغلب به صورت اشک یا استوانه‌ای چهارگوش در بین دو چشم دیده می‌شود. چهره‌های آنها



تصویر ۷. چهره سنگ‌افراشت سن سرنن آویرون. مأخذ: Mourey, 2020, 24.

جدول ۱. جزئیات پیکره سنگ‌افراشت‌های شهریری. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	آنالیز خطی		تصاویر	فرم	اجزاء پیکره سنگ‌افراشت
	ترسیم جزئی تصویر	ترسیم کلی تصویر			
شامل چشم، بینی، موها به صورت دودسته در اطراف صورت که در برخی موارد در انتهای مو انگشتان قرار دارد.				نعلی شکل 	صورت
در غالب سنگ‌افراشت‌ها متصل به پیشانی عموماً پیوسته با موها				اشکی بزرگ	بینی
فقط یک نمونه موجود جنسیت زن سخنگو در معبد نشان‌دهنده اعتقادات آیینی				استوانه‌ای بزرگ	دهان
تشکیل شده از دو دایره متداخل				دوایر تودرتو	چشم
فقط در یک مورد				دوایر توخالی	
براساس فرسایش				دوایر توپر	
متصل به موها که با ایجاد شیارهایی در انتها نشان‌دهنده انگشتان است.				استوانه‌ای متصل	دست‌ها
دست‌ها توسط فاصله‌هایی از موها جدا شده است.				استوانه‌ای جدا	
کمربندهای حکاکی شده روی سنگ‌افراشت‌ها که اکثراً به نقوش هندسی تزئین شده‌اند.				مستطیلی کشیده با نقوش هندسی	پاها کمربند
طول بلند و به صورت کشیده				شمشیر	سلاح
طول کوتاه و همراه با کمی خمیدگی				خنجر	

البته طرح حکاکی شده این شمایل‌ها بستگی به فرم کلی این سنگ‌ها داشته است. بنابراین در برخی پیکره‌ها فرم ترکیبی استوانه‌ای با کمی تغییرات در سایز و ابعاد همراه است. به طور کلی پیکره‌های دو منطقه دارای صورتی نعلی‌شکل، بینی استوانه‌ای، دهان خطی، چشمانی گرد، دستانی استوانه‌ای و کمربندی مستطیل‌شکل هستند. این شباهت‌های ظاهری کمابیش در اغلب سنگ‌افراشت‌ها دیده می‌شود (جدول ۳).

سنگ‌افراشت‌های شهریری، این سنگ‌افراشت‌ها دارای دهان به شکل‌های متفاوت هستند.

تطبیق جزئیات پیکره سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون
بررسی این شباهت‌ها نشان می‌دهد که سنگ‌افراشت‌های این دو منطقه دارای شکل کلی استوانه‌ای مخروطی هستند که

جدول ۲. جزئیات پیکره سنگ‌افراشته‌های سن سرن آویرون. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	آنالیز خطی		تصاویر	فرم	اجزاء پیکره سنگ‌افراشته
	ترسیم کلی تصویر	ترسیم جزئی تصویر			
شامل چشم، بینی، موها به صورت دودسته در اطراف صورت قرار دارد.				نعلی شکل 	صورت
غالباً بدون بینی یا به صورت نوک تیز متصل به پیشانی و عموماً پیوسته با موهاست.				نوک تیز کوچک	بینی
به صورت استوانه‌ای کوچک که از چشم‌ها فاصله بسیاری دارد.				استوانه‌ای کوچک	
در برخی موارد بدون دهان ولی غالباً به صورت چندین خط یا یک خط نشان داده شده است.				خطی	دهان
تشکیل شده از مستطیل‌هایی که به صورت ناهماهنگ در کنار هم قرار گرفته‌اند.				مستطیل شکل و نامنظم	چشم
مدور و کوچک				دوایر برجسته و کوچک	
اغلب سنگ‌افراشته‌ها بدون دست هستند ولی در سنگ‌افراشته‌هایی که دارای دست‌اند، دست‌ها از دو جانب پیکره به سمت داخل نقش بسته شده است. همچنین در نمونه‌ای دست‌ها به صورت آویزان در مرکز استل امتداد یافته است.				استوانه‌ای عمودی	دست‌ها
پاها اغلب به شکل استوانه در وسط یا طرفین مجسمه قرار گرفته‌اند.				استوانه‌ای افقی مایل	
کمربندها غالباً به شکل مستطیل و ساده حکاکی شده‌اند.				استوانه‌ای عمودی	پاها
				مستطیلی کشیده با شیار کشیده در وسط آن	کمر بند
				مستطیل ساده کشیده	
		بدون اسلحه			سلاح

جامعه ابتدایی وظایف سنگین به عهده زن گذاشته شده بود. در نتیجه عدم تعادلی بین وظایف مرد و زن ایجاد شد و زن دارای مقامی برتر نسبت به مرد گشت (گیرشمن، ۱۳۳۵، ۵۱). لذا توجه به زن جنگجو و زنان نگهبان در این سنگ‌افراشته‌ها بیانگر جایگاه ویژه آنان و مفهومی از قدرت محسوب می‌شده است. بانوی معروف سن سرنن آویرون که یکی از برجسته‌ترین سنگ‌افراشته‌های این منطقه محسوب می‌شود، جنسیتی زنانه دارد اما بدون سلاح و لباس رزم. مردم‌شناسانی نظیر برین موریس^{۲۵} معتقدند که الگوهای خانوادگی در عصر سنگی اسطوره شکارچی بزرگ بوده است. به این صورت که انسان گونه بدوی غار را ترک می‌کرد و همسرش به انتظار او می‌نشست و از بچه‌ها مراقبت می‌کرد (Morris, 1994, 47). بنابراین در اقوام بدوی زن از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. جایگاه این اسطوره توسط انسان‌شناسان بزرگ انگلیسی نظیر لوییز هنری مورگان^{۲۶} نیز مطرح شده است. در زمان‌های باستان زنان در این جوامع جایگاه بالایی داشتند (López, 2020, 12). ویل دورانت نیز در این زمینه نوشته است: در آن دوره موقعیت مردان در خانواده سطحی بود در حالی که نقش زنان اساسی بود (دورانت، ۱۳۸۰، ۲۳۶). براساس آنچه انسان‌شناسان معتقدند: در آن دوره زنان نماینده قدرت محسوب می‌شدند. در سنگ‌افراشته‌های شهریری فقط یک سنگ‌افراشته از جنس زن دیده می‌شود و بیشتر بر جنبه مردانگی و جنگجو بودن اشاره دارد. در حالی که در سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون بیشتر بر جنبه زنانه تأکید شده و سنگ‌افراشته‌ها بدون سلاح و اغلب با لباس پوشیده شده‌اند. به علاوه در مجسمه‌ای متعلق به سن سرنن آویرون که تقریباً دگرگون شده است، دهنه‌ای مانند گردن‌بند بر روی

نکته قابل توجه در جدول تفاوت‌ها، وجود یا عدم وجود جزئی از شمائل پیکره‌ها است، عدم وجود سلاح در سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون و عدم وجود دهان و پا در اغلب سنگ‌افراشته‌های شهریری. در سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه از لحاظ شکل کلی، فرم بینی، دهان، چشم، دست‌ها و کمر بند اختلافاتی دیده می‌شود. با این وجود در تحلیل تطبیقی کلی سنگ‌افراشته‌های دو منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون، خصوصیات این سنگ‌افراشته‌ها از لحاظ ابعاد، جنس، فرم و نوع قبور بررسی شده است (جدول ۴).

در بررسی تطبیقی خصوصیات کلی این دو منطقه، آنچه مشخص است نوع جنس یکسان و شکل و فرم این سنگ‌افراشته‌هاست که شباهت آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. این سنگ‌افراشته‌ها در ابعاد و نوع قبور تفاوت واضحی دارند که بیانگر تفکر رایج در آیین تدفین متعلق به هر منطقه است.

تطبیق جنسیت

• وجود جنسیت زن در میان سنگ‌افراشته‌ها

عنصر زنانه سنجاق که از قبور محوطه شهریری به دست آمده، روی گیسوان تعدادی از سنگ‌افراشته‌ها به صورت خطوط افقی دیده می‌شود که نشان‌دهنده زن بودن آنهاست و بیانگر این مسئله است که در جامعه آن روزگار زنانی مبارز و جنگاور با جایگاه ویژه اجتماعی وجود داشته‌اند (عزت‌اللهی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۷۷)، (تصویر ۱۱).

در هزاره پنجم قبل از میلاد، مدارسالاری پایه سازمان اجتماعی بود و این زنان بودند که به فعالیت‌های تولیدی سامان می‌دادند (علیزاده، ۱۳۹۲، ۲۴). دکتر رومن گیرشمن^{۲۴} می‌نویسد: در این

جدول ۳. تفاوت‌های سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون. مأخذ: نگارندگان.

اجزاء پیکره سنگ‌افراشته	شهریری	سن سرنن آویرون
شکل کلی	اغلب به صورت استوانه‌ای	اغلب به صورت مخروطی
بینی	اشکی یا استوانه‌ای بزرگ	نوک تیز یا استوانه‌ای کوچک
دهان	فقط یک پیکره دارای دهان است و بقیه پیکره‌ها فاقد دهان هستند.	اغلب پیکره‌ها دارای فرم دهان خطی شکل هستند.
چشم	دوایر تودرتو، توخالی یا توپر بزرگ	مستطیل شکل و نامنظم یا دوایر برجسته و کوچک
دست‌ها	استوانه‌ای متصل یا جدا از موها به صورت عمودی	استوانه‌ای عمودی یا استوانه‌ای افقی مایل جدا از موها
پاها	فاقد پا	استوانه‌ای عمودی
کمر بند	مستطیلی کشیده با نقوش هندسی	مستطیلی کشیده و اغلب با شیاری کشیده در وسط آن
سلاح	به صورت خنجر یا شمشیر	فاقد سلاح

جدول ۴. بررسی تطبیقی خصوصیات کلی سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون. مأخذ: نگارندگان.

خصوصیات کلی	شهریری	سن سرنن آویرون
ابعاد	۳۵ الی ۲۳۰ سانتیمتر	۱ الی ۲ متر
جنس	سنگ	سنگ
فرم	مکعب مستطیل و یا مخروطی	مکعب مستطیل و یا مخروطی
نوع قبور	قبور کلان سنگی و تپه‌ای (کورگان)	قبور پراکنده و گسسته

دارای چشم، بینی و مو که در برخی دارای خنجر، شمشیر و کمر بند هستند و این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که چرا بر اجزاء صورت تأکید شده است؟ وجه اشتراک این سنگ‌افراشته‌ها با سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون در فرم انتزاعی و تجریدی است. در اینجا باید به چند نکته مهم در مورد استفاده از المان‌های مشترک تصویری در حکاکی این سنگ‌افراشته‌ها اشاره کرد. با بررسی گسترش فرهنگ سنگ‌افراشته‌ها در زمان و مکان‌های مختلف می‌توان به نقطه اشتراک یکسان این فرهنگ در بین جوامع انسانی دریافت که بر طبق آن، ارتباط این سنگ‌افراشته‌ها با سنن و آیین‌های مذهبی منطقه‌ای پیوند خورده است که در آن خلق شده‌اند.

مکتب اوشاقلاری که آیین ترکان باستان در خاکسپاری محسوب می‌شده است، به آیین احترام به متوفی و اعتقاد به حیات پس از مرگ در تدفین اموات، ساخت مقابر، خاکسپاری همراه با ظروف حاوی غذا و مایحتاج زندگی در کنار متوفی اشاره دارد. در این آیین وجود جنگجوی ساخته‌شده از سنگ به صورت برافراشته بر روی مزار متوفی، نوعی نگهداری برای متوفی محسوب می‌شده است. نگهداری و حفاظت اهمیت ویژه‌ای در آیین ترکان باستان داشته است. این باور در آیین‌های جاری بر دوران بدوی اروپا نیز حاکم بوده است. وجود سنگ‌افراشته‌ها در گورستان‌ها نشان‌دهنده نگهداری و مراقبت از متوفی بوده است. «ایرانیان با تراشیدن سنگ‌ها به صورت شیر، نمادهای نگهداری، شجاعت و دلاوری، قدرت و شایستگی را به تصویر می‌کشیدند» (دهقان‌زاده، رستم بیگی و رهبر، ۱۳۹۸، ۱۷).

این امر نشان می‌دهد استفاده از سنگ تراشیده‌شده به صورت نگهداری ریشه در ایران باستان داشته است. هر یک از سنگ‌افراشته‌های مورد بحث در این پژوهش دارای ابعادی متفاوت است که می‌تواند بیانگر طبقات اجتماعی مختلف و متناسب با هر فرد وابسته به طبقه اجتماعی خاصی تفسیر شود. وجود چشم یکی از قدرتمندترین نشانه‌هایی است که در بسیاری از فرهنگ‌ها شناخته شده است که می‌تواند نمادی از خوبی، بدی، محافظت، خرد، دانش و رمز و راز باشد (Gross, 2019, 13). آنها می‌توانند بیانگر بصیرت،



تصویر ۱۱. وجود جنسیت در سنگ‌افراشته‌های شهریری. مأخذ: ابتهاج، ۱۳۸۳، ۹۱-۹۴.

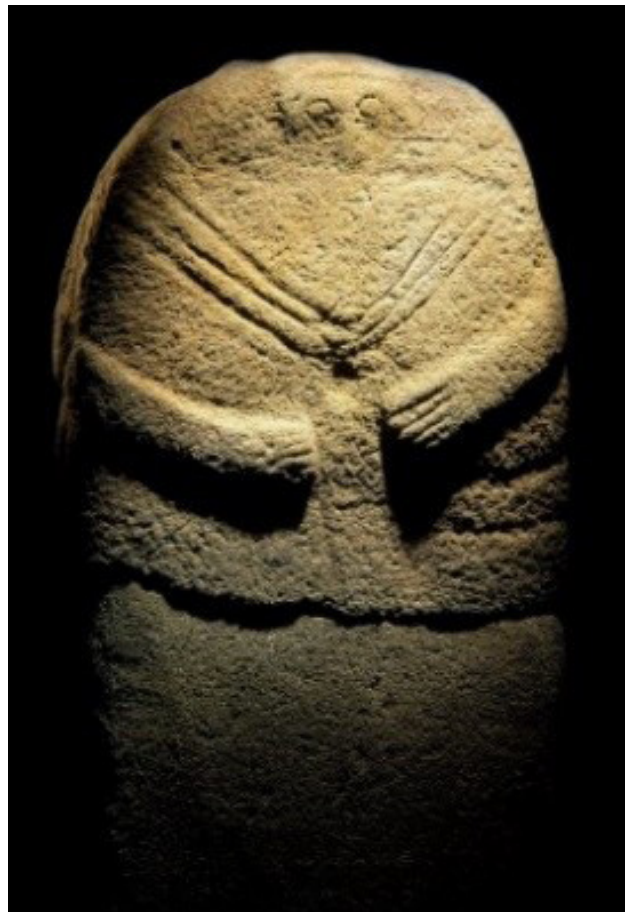
صورت نشان داده شده است. در پشت شیاریهایی مانند چین‌های لباس دیده می‌شود که نشان‌دهنده جنبه زنانگی این مجسمه است (تصویر ۱۲).

وجود تزییناتی چون گردنبند می‌تواند مشخصه اهمیت جنسیت در این سنگ‌افراشته‌ها باشد. در سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه تاریخی می‌توان به وجود ظرافت در حکاکی سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون پی برد. برخلاف زمختی و عناصر دفرمه سنگ‌افراشته‌های شهریری، حکاکی عناصر این مجسمه‌ها با لطافت بیشتری همراه بوده است که می‌تواند بیشتر مربوط به اهمیت وجود جنسیت در این سنگ‌افراشته‌ها باشد.

مطالعه تطبیقی معناسانانه سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون

مهم‌ترین ویژگی مشترک سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون، ساده‌انگارانه و استلیزه بودن نقوش و بیان حالت در آنهاست که این سنگ‌افراشته‌ها را از آثار دیگر متمایز می‌کنند. مشخصاً این سنگ‌افراشته‌ها که بیان مفهومی از باورها و سنن خاص بوده‌اند، احتمالاً جزئی از مراسم آیینی-تدفینی و یادواره شخص متوفی بوده است. اینکه چرا در گورستان شهریری، سنگ‌افراشته‌هایی به شکل نقوش انسانی که تداعی‌کننده جنگجو یا سرباز است وجود دارد، بسی جای تأمل دارد. صورت این سنگ‌افراشته‌ها

آبرانسانی (معمولاً منفی)، دو چشم به مفهوم عادی از نظر جسمی و معنوی، سه چشم به معنای قدرت‌های فوق بشری است که می‌توانند خیرخواهانه یا بدخواهانه باشند و چندین چشم مفهومی از ستاره و تاریکی است (Sagiv, 2017, 194). سنگ‌افراشت‌های شهریری دارای دو چشم هستند، ولی سنگ‌افراشت‌های سن سرنن آویرون بیش از دو چشم دارند که بیانگر قدرت فوق‌بشری آنها است. وجود دست در این سنگ‌افراشت‌ها که اغلب پرمعناترین قسمت بدن انسان به شمار می‌آید، می‌تواند به مفهوم قدرت و محافظت باشد. در باورهای آیینی باستان، دست‌های ساخته‌شده از طلا، جواهرات و فلزات، اساساً به عنوان طلسم در برابر تأثیرات شیطانی مورد احترام قرار گرفته‌اند (Huffman, 2014, 58). همچنین، حجاری موها براساس باور آیینی است. در یونان باستان موهای بلند مرد بیانگر ثروت و قدرت بود، در حالی که سر تراشیده برای یک برده مناسب بود (Zimmer, 2021, 10). به این ترتیب، سنگ‌افراشت‌های شهریری با موهای بلند که غالباً به دست‌ها متصل شده است را می‌توان نشان‌دهنده نمایش قدرت در این پیکره‌ها دانست. علاوه بر این در سنگ‌افراشت‌های سن سرنن آویرون وجود دستانی کشیده و بلند بیانگر قدرت و استحکام است. در اکثر سنگ‌افراشت‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون دهان وجود ندارد است، مگر در نمونه‌های نادری که به صورت خطی ساده و کم‌عمق به نمایش درآمده است. نقش‌های حجاری شده استلیزه‌شده شامل صورتی به‌مثابه انسان با چشمانی گرد، پیشانی که اغلب به بینی متصل و دستانی که از پشت سر آمده، یا به صورت آویزان شده، به نمایش درآمده، شمشیر یا خنجر که در غلاف قرار داشته و از کمربندی منقوش آویزان شده است. ذهن انتزاعی و استلیزه انسان بدوی فرم‌های ساده و بی‌پیرایه‌ای را بر روی این سنگ‌افراشت‌ها حکاکی کرده است. این تخیل ساده ذهن اقوام بدوی باور بر قدرت ماورائی این عناصر حکاکی شده بر روی سنگ‌افراشت‌ها داشته‌اند که به نظر می‌رسد جزئی از مراسم و آداب و رسوم آیینی تدفین بوده است. در بررسی سنگ‌افراشت‌های این دو منطقه تاریخی، شباهت در تفکر مردمان این دو منطقه دیده می‌شود که با توجه به مسئله بُعد مسافت و عدم ارتباط مردمان این منطقه، با نظریات یووال نوح هراری^{۲۷}، پژوهشگر و انسان‌شناس معاصر تطبیق دارد. وی در کتاب «انسان خردمند» ذکر می‌کند «گاهی گروه‌ها در نتیجه بلایای طبیعی، زد و خورد‌های خونین، فشار جمعیت یا ابتکار یک رهبر پرجذبه قلمرو مسکونی خود را ترک کرده تا سرزمین‌های جدیدی را کشف کنند. این گشت‌وگذارها برای پراکنده‌شدن انسان خردمند در همه جای جهان بود» (نوح هراری، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۲. وجود جنسیت در سنگ‌افراشت سن سرنن آویرون. مأخذ: Fenaille museum, 2021, 2.

دانایی همه‌جانبه و یا دروازه‌ای برای ورود به روح باشند. ویژگی‌های دیگری که چشم‌ها معمولاً با آن ارتباط دارند عبارت‌اند از: هوش، نور، هوشیاری، وجدان اخلاقی و حقیقت (Sagiv, 2017, 13). وجود چشمانی گرد که مبین نافذبودن و گیرایی آنهاست. شباهت بین چشمان مدور سنگ‌افراشت‌های شهریری و سن سرنن آویرون که توسط فرهنگ‌های دیگر برای تأیید بر نقش نگهبانی این سنگ‌افراشت‌ها استفاده شده است، قابل تأمل است. برخی محققین بر این باورند که چشمانی برآمده، تکامل فرم چشم به مرور زمان را نشان می‌دهد که چندان قابل قبول نیست. در برخی باورهای رایج، مترسک‌های ساده (تکه‌های پارچه و پلاستیک بسته‌شده به تیرها) تعویذهایی هستند که از محصول در برابر افرادی که قدرت چشم بد دارند، محافظت می‌کند (Gross, 2019, 16). این باور که در تمام آیین‌های بدوی وجود دارد، در سنگ‌افراشت‌ها نیز که نشانی از نگهبانی و قدرت هستند، متجلی شده است. گویی وجود سنگ‌افراشت‌ها متوفی را از قدرت چشم بد محافظت می‌کند. تعداد مختلف چشم نیز معنای مختلفی دارد. تک‌چشم به مفهوم غیرانسانی و علم الهی،

آمده است. انسان‌های دوران اولیه از سه مرحله اصلی عبور کرده اند که اولین آن انقلاب شناختی است و در حدود سه هزار سال پیش آغاز و تا زمان حال در پیشرفت و گسترش است. به طور مثال انسان‌های اولیه صداهایی از منابعی ناشناخته می‌شنیدند که به رفتارهایشان جهت می‌داده است. این صداها بعدها به عنوان صدای سرور، پادشاه یا وحی خدایان تعبیر شده است. آگاهی انسان باعث از بین رفتن این ذهن دو جایگاهی شده، اما همچنان، نمودهای مشخصی از این نوع ذهنیت در انسان معاصر وجود دارد. ردپای این نظریه در تمام طول زندگی بشر و خلق خدایان و ادیان مختلف دیده می‌شود و یکی از اصلی‌ترین بازمانده‌های دوران دوساحتی ذهن، پیامبران و آیین آنها هستند. لذا رسم و رسوم مذهبی و آداب نیایش و دعاکردن، بعد الهامات ذهنی و قلبی، همه نشان از همان آگاهی دوساحتی ذهن آگاهی دارد (جینز، ۱۴۰۰، ۱۰-۳۴). این محقق در بخش مردگان زنده، در این کتاب به آیین تدفین و خاکسپاری مردگان اشاره دارد. «مراسم خاکسپاری مردگان متشخص چنان که گویی هنوز زنده‌اند، کمابیش در همه فرهنگ‌های کهن مشترک است» (همان، ۱۶۰). همچنین اساس مشابهت نقوش دوران پیش از تاریخ، تجربه واحد آدمیان در درک تصویر، سایه‌ها و تصاویر ضد نور بوده، به نحوی که در آن دوره این شکل از تصویرگری، برای جبران نیازهای بیانگرانه آدمی، کفایت می‌کرده است. به این ترتیب، بر اساس این دیدگاه، منبع الهام و ادراک تصویرگران نخستین، تصاویر ضد نور- سایه‌ها و نیم‌سایه‌ها بوده است، که همگی ملهم و برآمده از طبیعت و عناصر آن می‌باشند (رستم بیکی و زاویه، ۱۳۹۰، ۷۱). بنابراین، می‌توان شباهت سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه را نیز به این نظریه تعمیم داد که در آغاز، هدف از ساخت مصنوعات دست بشر پیش از تاریخ، صرفاً نمایش کلیات بوده و سپس با توسعه دامنه اندیشه، افکار و تخیلات، جزییات اهمیت یافته و اشکال از شکل استلیزه و انتزاعی به سمت پیچیدگی و تنوع دچار تغییر شده‌اند. با توجه به این دیدگاه می‌توان اشکال ساده اولیه سنگ‌افراشته‌ها در مناطق مختلف را توجیه کرد. البته این مسئله از دیدگاه‌های مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته که در ادامه این نوشتار، می‌توان به دیدگاه روانشناسان اشاره کرد.

باتوجه به دیدگاه جینز، ذهن دو جایگاهی شبیه به هیچ‌یک از آگاهی‌هایی که امروز تجربه می‌شود، نبوده است. انسان‌های زمان باستان ذهنیت درونی‌شده^{۳۰} ندارند و به آگاهی خود از جهان آگاه نیستند، بلکه نوعی ذهن دو جایگاهی داشتند. اراده و برنامه‌ریزی و قوه ابتکار به صورت مطلق بدون حضور آگاهی صورت می‌گرفته است و سپس در قالب زبانی که فرد با آن آشنا بوده به او «گفته» می‌شده و این امر آگاهی

۸۲). این مسئله می‌تواند بعد مسافت و وجود شباهت را به حدس مهاجرت این افراد و انتقال آیین و باورها مرتبط کند، همچنین با توجه به موقعیت خاص ایران که در همه ادوار تاریخی شاهراه عبور شرق و غرب بوده است و در این مسیر تبادل فرهنگی نیز صورت می‌گرفته است (محمدی‌فر، محمدیان و شریف کاظمی، ۱۳۹۴، ۶۴).

موریس کی^{۳۸} معتقد است «ایجاد تصاویر از تخیل مستلزم یک تغییر تکاملی اساسی در ساختارهای عصبی زیربنای ادراک است. ایجاد اشیاء سه‌بعدی (مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها) شامل ساختارشنکی شناختی آنها در مجموعه‌ای از سطوح است که می‌تواند در مجسمه‌سازی اولیه اعمال شود. توانایی شناختی برای خلق هنر باید از آفریقا سرچشمه گرفته باشد، اما ممکن است این عمل در زمان‌های مختلف در گروه‌های متمایز ژنتیکی و فرهنگی در آفریقا و در طول پراکندگی جهانی آغاز شده باشد که منجر به تنوع منطقه‌ای در هنرهای باستانی و اخیر می‌شود (Morris-Kay, 2010, 158).

باید اشاره کرد که حجم عظیمی از تحقیقات علمی منجر به دو نتیجه‌گیری اساسی در مورد ذهن انسان می‌شود: اول اینکه، ذهن محصول تکامل است و توسط فرهنگ شکل می‌گیرد و دوم اینکه ذهن انسان قابلیت سازگاری با عوامل درونی و بیرونی دارد. این دو دیدگاه در ذهن انسان‌سازگار نیستند. روانشناسی تکاملی راه‌های زیادی را مستند می‌کند که در آنها سازگاری‌های ژنتیکی بر عملکرد ذهن انسان حاکم است. اما تحقیقات روانشناسی تکاملی تنها گهگاه به طور جدی با پرسش‌هایی در مورد فرهنگ انسانی و تفاوت‌های بین‌فرهنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. در مقابل، روانشناسی فرهنگی راه‌های زیادی را مستند می‌کند که در آن تفکر و رفتار توسط تجربیات فرهنگی مختلف شکل می‌گیرد (Schaller, Norenzayan, Heine, Yamagishi & Kameda, 2011, 228). اما در تحقیقات فرهنگی- هنری به ندرت فرآیندهای تکاملی ذهن در دو نقطه مختلف جهان در نظر گرفته شده است، لذا نزدیکی بین سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه با فاصله مکانی و عدم ارتباط، ناشی از تکامل یکسان ذهن بشر در نقاط مختلف کره زمین است و این تکامل در آثار هنری، آیین تدفین و دست‌ساخته‌های این دو تمدن دیده می‌شود.

همچنین با توجه به نظریات انسان‌شناس و روانشناس معاصر جولیان جینز^{۳۹} این نکته حائز اهمیت است و در خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دو جایگاهی، به آن اشاره شده است. او معتقد است آگاهی انسان همزمان با خود بشریت به وجود نیامده، بلکه این آگاهی پس از زبان و حتی پس از طلوع و سقوط بسیاری از تمدن‌های باستان به وجود

در این دو منطقه از ذهن انسانی نشأت گرفته که مشخص می‌شود منبع الهام و درک تصویر آنان با توجه به عدم ارتباط دارای شباهت و یکسانی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Stele
۲. Saint-Sernin Aveyron
۳. Charles Burney
۴. F. Niel. Dolmens and menhirs
۵. Guillaumont
۶. D'ANNA
۷. Saint-Izaire, Aveyron
۸. Soutou
۹. Dan & Cesaretti
۱۰. Menhir
۱۱. Men
۱۲. Hir
۱۳. Megalith
۱۴. Megalithic art
۱۵. Maktab Ushaghalari
۱۶. Angiography
۱۷. Proto-Turk
۱۸. kipchak
۱۹. Mythologie
۲۰. Arjagh Castle
۲۱. Fenaille museum
۲۲. Rodez
۲۳. Anthropomorphic
۲۴. Roman Ghirshman
۲۵. Brian morris
۲۶. Lewis Henry Morgan
۲۷. Yuval Noah Harari
۲۸. Julian Jaynes
۲۹. Morriss-Kay
۳۰. Subjectivity

فهرست منابع

- ابن‌هجاج، ویدا. (۱۳۸۳). بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران. مطالعه موردی محوطه شهرداری اردبیل (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد باستان‌شناسی). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- آغاسی اوغلو، فریدون. (۱۳۹۷). داش بابا (ترجمه حامد همتی). تهران: انتشارات ساوالان ایگی دلری.
- پوررستم، مسلم. (۱۳۹۴). سکوت سنگ‌ها (بررسی فرم و نقش استل‌های موزه آذربایجان و مقایسه آنها با آثار مشابه در قفقاز و آناتولی). دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. دانشگاه بیرجند/ اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- جینز، جولین. (۱۴۰۰). خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دوجایگامی (ترجمه خسرو پارسا و دیگران). تهران: آگه.
- چاری، عبدالرضا. (۱۳۸۷). نقش‌های سنگ مزارهای گورستان دارالسلام شیراز. آینه خیال. (۶)، ۱۳۲-۱۳۸.
- حصار، مرتضی و علی یاری، احمد. (۱۳۹۱). مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان‌سنگی و تپه‌ای (گورگان) استان اردبیل. مطالعات باستان

همراه با پیش‌درآمدهای بینایی از تصویر یک دوست نزدیک یا شخصی صاحب قدرت یا یک رب‌النوع بوده، گاه هم فقط با یک صدا همراه می‌شده است. فرد نیز فرامین آن را اطاعت می‌کرده است. به عبارت دیگر، ذهن به دو قسمت تقسیم می‌شده است. یک قسمت، انسان مطیع و ناآگاه که اتوماتیک‌وار عمل می‌کند، و قسمت دوم، «خدایانی» که به توهم انسان می‌آیند و او را در جهان راهنمایی می‌کنند. این بخش از فرضیه ذهن دو جایگاهی و دوساحتی جینز را می‌توان به شباهت‌های سنگ‌افراشته‌های دو منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون نسبت داد. بنابراین، آنچه که در مطالعه سنگ‌افراشته‌های آیین خاکسپاری بین انسان‌های اولیه دیده می‌شود، مشخص می‌کند که این رسوم، آیین تدفین و مراسم و مجسمه‌های مشابه در نقاط مختلف جهان می‌تواند از تکامل ذهن بشر نشأت گرفته باشد و شباهت دست‌ساخته‌های بشری در این دو منطقه ربطی به ارتباط آنها با هم نداشته و از تکامل ذهنی مشابه انسان نشأت گرفته است.

نتیجه‌گیری

در مطالعه تطبیقی سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری و سن سرنن آویرون ملاحظه شد که این سنگ‌افراشته‌های حکاکی‌شده ساده و انتزاعی با ابعاد و فرم‌های متنوع، دارای چهره‌های انسانی مشابه بوده و تأکید سنگ‌افراشته‌های شهریری بر وجه مردانه و سنگ‌افراشته‌های سن سرنن آویرون بر وجه زنانه بوده است. با این حال، آنچه اهمیت دارد وجود برخی خصوصیات مشترک در بین سنگ‌افراشته‌هاست. این سنگ‌افراشته‌ها دارای جنسیت بوده و با توجه به جنسیت متوفی کار شده و بر شکل ظاهری و قدرتمندی آن تأکید شده است. این دو منطقه علی‌رغم داشتن فاصله مکانی با یکدیگر دارای آیین‌های مشابه و آثار سنگی یکسان هستند که متأثر از جایگاه ذهن بشر و تکامل آن در مناطق مختلف است. هر دو منطقه دارای ظاهر و تزئینات پیکرنگاری سنگی مشابه با نمایش جنسیت است. کلیات این آثار یکسان و در جزئیات، تفاوتی اندک دیده می‌شود. با توسعه مهارت و اندیشه ذهنی و جایگاه آن، به مرور شباهت آثار در نقاط مختلف جهان معنا می‌شود. این موارد می‌تواند بر حافظه ثبت‌شده انسان هوشمند در تاریخ باستانی انسان اشاره داشته باشد که در بسیاری از نقاط زمین رخ داده است. زیرا تاریخ انسانی دارای اکتشافات، نوآوری و اختراعاتی براساس انقلاب ذهن بشر است و این امر در تمدن‌های قدیمی جهان دیده می‌شود. نقوش و آثار هنری سنگی در گستره زمین متأثر از امکانات، مهارت و تحولات ذهنی انسان است. در انتهای مقاله نتیجه‌گیری می‌شود که منبع الهام آثار سنگی

- Burney, C. A. (1979). Meshkinshahr Survey. *Iran*, (17), 155-6.
- D'ANNA, A. (1998). Les statues-menhirs du Sul de la France, "L'Art des Mégalithes Peints et Gravés". *Dossiers d'Archéologie*, (230), 48-55.
- Dan, R. & Cesaretti, A. (2020). The "Mouthless People": Some Remarks on the Shahr Yeri Statue-Stela Complex, Iran. *Iran and the Caucasus*, 24(4), 347-357.
- Díaz-Guardamino, M. (2021). *The temporality of stone: late prehistoric sculpture in Iberia*. Cham: Springer.
- Gross, K. (2019). *The dream of the moving statue*. New York: Cornell University Press.
- Guillaumont, A. (1960). F. Niel. Dolmens and menhirs. *Review of the History of Religions*, 157 (1), 98-104.
- Handwerk, B. (2019). Europe's Megalithic Monuments Originated in France and Spread by Sea Routes. *New Study Suggests, Smithsonian Magazine*, 125 (2), 11-12.
- Hejebri Nobari, A., Khanali, H., Yilmaz, A., & Mosavi Kohpar, S. M. (2020). Archaeological analysis and investigations on Shaharyeri in Ardabil province. *Journal of Archaeological Studies*, 12(2), 267-283.
- Huffman, C. A. (2014). *A History of Pythagoreanism*. Cambridge University Press.
- Ingraham, M. L. & Summers, G. (1979). Stelae and settlements in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan, Iran. *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, (12), 67-102.
- López, C. M. (2020). Matronage: A useful concept for understanding the involvement of women in the public sphere in ancient societies. In K. Hughe (Ed.), *Engendering Transnational Transgressions*. New York: Routledge.
- Morris, B. (1994). *Anthropology of the self: The individual in cultural perspective*. New York: Pluto Press.
- Morriss-Kay, G. M. (2010). The evolution of human artistic creativity. *Journal of Anatomy*, 216(2), 158-176.
- Mourey, J. M. (2020). La voie des marques (ou Lévi-Strauss dans le Midi). Une première approche structuraliste des stèles anthropomorphes néolithiques d'Occitanie. *L'anthropologie*, 124(4), 102-767.
- Rodríguez, P. M., Garcia, A. F., & Rufo, V. M. (2010). The statue-menhir of Ca l'Estrada (Canovelles, Barcelona), a representation with elements of the figurative group of La Rouergue (Aveyron, France). *Munibe (Supplement)*, (32), 498-505.
- Sagiv, G. (2017). Dazzling Blue: Color Symbolism, Kabbalistic Myth, and the Evil Eye in Judaism. *Numen*, 64(2-3), 183-208.
- Schaller, M., Norenzayan, A., Heine, S. J., Yamagishi, T. & Kameda, T. (2011). *Evolution, culture, and the human mind*.
 • شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، ۴(۱)، ۱۱۳-۱۳۰.
 • خانعلی، حمید. (۱۳۹۷). *تحلیلی بر روابط فرهنگی شمال غرب ایران و قفقاز براساس مطالعه موردی سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت به دست آمده از مطالعات باستان‌شناسی محوطه نیاشنگاه شهرداری استان اردبیل (پایان‌نامه منتشر نشده دکتری باستان‌شناسی)*. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 • دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن*. تهران: علمی و فرهنگی.
 • دهقان‌زاده، عطیه؛ رستم بیگی، سمانه (ثمین) و رهبر، ایلناز. (۱۳۹۸). شیرهای سنگی مناطق مرکزی فلات ایران. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۴(۶)، ۱۵-۲۴.
 • رستم بیگی، سمانه و زاویه، سعید. (۱۳۹۰). تجربه‌های بصری انسان پیش از تاریخ. هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۴۹(۴)، ۷۱-۸۹.
 • عزت‌اللهی نژاد، طیبه. (۱۳۸۷). بررسی سنگ‌افراشته‌های شهرداری. هنر و معماری، ۷۸(۷۸)، ۱۷۰-۱۹۳.
 • قائم مقامی، سیفال‌الدین. (۱۳۴۸). تمدن و فرهنگ ایران در دوره سنگ‌افراشته‌ی. بررسی‌های تاریخی، ۲۳(۲۴)، ۷۹-۱۰۰.
 • کرمی، ماندانا. (۱۳۸۴). فرهنگ مصور باستان‌شناسی. تهران: سمیرا.
 • گیرشمن، رومن. (۱۳۳۵). *ایران از آغاز تا اسلام (ترجمه محمد معین)*. تهران: نگاه.
 • مبینی، مهتاب. (۱۳۹۸). *اسطوره و هنر*. تهران: دانشگاه پیام نور.
 • محمدی، میرروح‌الله. (۱۳۸۲). کنکاشی در مجموعه باستانی پیرازمیان. باستان‌پژوهی، ۱۱(۱۱)، ۵۷-۶۶.
 • محمدی‌فر، یعقوب؛ محمدیان، فخرالدین و شریف کاظمی، خدیجه. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تعامل هنر پیکره‌تراشی و نقش‌برجسته‌های محوطه بوتکارای پاکستان با دوره تاریخی در ایران. مطالعات تطبیقی هنر، ۵(۹)، ۶۳-۷۸.
 • مرزبان، پرویز. (۱۳۸۸). خلاصه تاریخ هنر. تهران: علمی و فرهنگی.
 • مهروند، فریبا. (۱۳۹۴). سنگ‌نگاره‌های اشکانی خوزستان در دو موزه شوش و ایران باستان. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. تهران: موسسه مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلیا، انجمن اقتصاد و انرژی.
 • نوح هراری، یووال. (۱۳۹۶). *انسان خردمند (تاریخ مختصر بشر) (ترجمه نیک گرگین)*. تهران: فرهنگ نشر نو.
 • هژبری نوبری، علیرضا؛ خانعلی، حمید؛ آنیل، یلماز؛ موسوی کوهپیر، سید مهدی و حاجی زاده باستانی، کریم. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه شهرداری استان اردبیل. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۲(۱)، ۱-۲۱.
 • هژبری نوبری، علیرضا؛ خانعلی، حمید؛ آنیل، یلماز و موسوی کوهپیر، سید مهدی. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه شهرداری استان اردبیل. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۲(۲)، ۲۶۷-۲۸۳.
 • Alizade, M., Rezalo, R., Hajizade, K. & Afkhmi, B. (2018). Archaeological Surveys in the East Azerbaijan: North of Namin, Ardebil Province. *Journal of Archaeological Studies*, 10(2), 221-238.
 • Asgari, S. (2018). *Bioarchaeological Analysis of Human Skeletal Remains at Köhne Shahar an Early Bronze Age Site in Northwestern Iran*. Unpublished Ph.d. thesis. Faculty of California State University, East Bay.

New York: Psychology Press.

- Shaw, I. & Jameson, R. (2008). *A dictionary of archaeology*. New York: John Wiley & Sons.
- Soutou, A. (1973). The three statues-menhirs of Ardaliès (Saint-Izaire, Aveyron). *Narbonnaise Archaeological Review*, 6 (1), 255-261.
- Steimer, T. (2020). Rawk: Statues-Menhirs and Anthropomorphic Statues of Ancient Wadi 'Idim. *Landscape History of Hadramawt: The Roots of Agriculture in Southern Arabia (RASA) Project 1998-2008*, 455-474.

- Tripadvisor. (2019). *Photos of Shahr Yeri Historical Site, Meshgin Shahr*. Retrieved September 10, 2021, from https://www.tripadvisor.com/Attraction_Review-g13002323-d10210937-Reviews-Shahr_Yeri_Historical_Site_Meshgin_Shahr_Ardabil_Province.html
- Twohig, E. S. (1981). *The megalithic art of Western Europe*. Oxford: Oxford University Press.
- Zimmer, H. R. (2021). *Myths and symbols in Indian art and civilization*. New Jersey: Princeton University Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
پنجه‌باشی، الهه، و نجیبی، نگار. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی سنگ‌افراشته‌های منطقه تاریخی شهریری واقع در مشگین‌شهر استان اردبیل و سن سرنن آویرون واقع در جنوب فرانسه. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۱)، ۷۵-۹۰.

DOI:10.22034/BAGH.2022.293991.4937

URL:http://www.bagh-sj.com/article_153543.html

